

ارزین چندشتر

**کتابخانه تویبتری ضرغامی به عدم اعلام میزان مشارکت در انتخابات خیراتلین:** سید عزت الله ضرغامی، در تویبتری با هشتگ مشارکت و ویروس نوشت: «الکترونیکی کردن کل انتخابات پیشکش! لافاقل رقم نهایی مشارکت که بلافاصله بعد از پایان رای گیری، از طریق تعداد تعرفه های مصرف شده قابل تشخیص است را اعلام کنید. ظاهرا ویروس اطلاع رسانی، از سقوط هواپیما به نتیجه انتخابات هم سرایت کرده است. تغذیه افکار عمومی را به دیگران واگذار نکنیم.»

**مشارکت ۴۲/۵۷ درصدی در انتخابات ایسنا:** وزیر کشور آمار مشارکت در انتخابات ۲۴۱ میلیون و ۵۱۲ هزار و ۴۰۴ نفر اعلام کرد. عبدالرضا رحمانی فضلی با بیان اینکه واجدین شرایط ۵۷ میلیون و ۹۸ هزار و ۱۵۹ نفر هستند، اظهار کرد: ۲ میلیون و ۹۳ هزار نفر رای اولی داشتیم. وی با بیان اینکه ۴۲/۵۷ درصد از واجدین شرایط در انتخابات شرکت کردند، گفت: این درحالی بود که ما هم ورود بیماری کرونا را داشتیم و هم شرایط سیاسی و مسائلی مثل سقوط هواپیما، حوادث آبان و دی را داشتیم و در این شرایط این میزان حضور و مشارکت مردم کاملا قابل قبول است.

**تعطیل کردن حرم دست ما نیست، اینجا پناهگاه مردم است**  
 ایرانیکی از مسئولان حرم حضرت معصومه (س) گفت: تعطیل کردن حرم پیام تلخی دارد، اینجا پناهگاه مردم است و نشستن مردم در گوشه‌های حرم، مشکلی پیش نمی‌آورد. سید علی‌اکبر حسینی‌نژاد: مشاور تولیت حرم حضرت معصومه (س) گفت: مسئولان در حال ضدغوفونی داخل حرم هستند. تعداد زائران هم کم شده است و الان در حرم بیشتر خارجی‌ها، پاکستانی و هندی‌ها و... حضور دارند. تعطیل کردن حرم باید در شورای تأمین استان، با شورای امنیت ملی تصمیم‌گیری شود.

**زند هشدار و خطر برای صاحبان بصیرت!**  
**جماران:** ابوالفضل شروش، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی، در حساب تویبتری خود نوشت: «مشارکت مردم تهران در انتخابات مجلس یازدهم حدود ۲۶ درصد بوده است. بایستی حاکمیت، جامعه‌شناسان و دردمندان نظام به دقت بررسی کنند، چه عواملی باعث شده زهره زهرانی (۷/۵ نفر شرکت نکنند و بی‌اعتنا باشند. این رنگ هشدار و خطری است برای صاحبان بصیرت!»

گنجینه

**«زمستان» رسول حسینی‌نژاد**  
 پاسارگاد: وقتی که بهمن می‌آید... رابطه که قرار بود چیز بهتری باشد، حالا زمستان دارد، رابطه زمستان دارد. این جملات نوشته شده بر روی دیوار، خودش بهترین معرفی برای آثار رسول حسینی‌نژاد است که بر روی دیواری از «کتاب مستطاب» نصب شده است. حسینی‌نژاد در توضیح چرایی آرایه آثارش در این مکان می‌گوید: من دنبال فضایی می‌گشتم که کارهایم را آرایه دهم. نگارخانه راز و نگارخانه باغ سنگی که جدیدا کافه گالری شده جای مناسبی برای آرایه نیست و کارها دیده نمی‌شود. من به یک دیوار خنثی و سفید و یک فضای خلوت نیاز داشتم. وی ادامه داد: در کتابفروشی مستطاب دیدم یکی از دیوارها خالی است و فضای خوبی برای نمایش آثار دارد، به آقای محمودیان مدیر کتابفروشی پیشنهاد دادم که اگر امکان دارد یکی از دیوارها



خسرو آواز ایران که شایعه درگذشتش زلزله‌ای در جان طرفداران پرشمار ایشان انداخت.

غبارآلوده مهر و ماه

امروز جایی خواندم که استاد شجریان سه روز است فوت شده و فشارهایی بر همین شجریان وارد کرده‌اند تا این خبر را اعلام نکنند. به صحت و سقم این خبر کاری ندارم، به فضا و شرایطی کار دارم که در آن می‌توان چنین خبری را منتشر کرد. فضایی چنان غبارآلود و مبهم که در آن هر خبر و شایعه‌ای قابل نقل و انتشار است. چقدر باید ذهن و گوش جامعه‌ای را متشنج و بی‌اعتماد ساخت تا هرکه هرچه بگوید، محلی از توجه داشته باشد. فضایی که زاینده‌ی نبود آزادی رسانه‌ها و عملکرد فاجعه‌بار مسئولان و قدرتمندانی است که در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌هایشان چنان عمل می‌کنند که ارزشمندترین داشته‌های یک ملت را به تاراج می‌سپارند. اعتماد اجتماعی به حاکمیت و قدرت حاکم یکی از ارزشمندترین دارایی‌هاست و اولین

دست‌آورد آن آرامش جامعه. مردم ایران در طول قرون و اعصار به بی‌اعتمادی مزمن نسبت به قدرت‌های حاکم دچار شده‌اند و حق هم دارند. امروز و با اتفاقات سال‌ها و ماه‌های اخیر این بی‌اعتمادی به بالاترین سطح خود رسیده است. به غلط گمان می‌کنیم چند صاحبی پس از اینکه دروغ‌پردازی‌های مان بر ملا می‌شود، همه چیز به فراموشی سپرده می‌شود. اتفاقا تأثیر ماندگارش می‌ماند و می‌شود همین بی‌اعتمادی موجود. تا جایی که زنده بودن و یا درگذشت یک هنرمند هم می‌تواند موضوع شایعه قرار گیرد و صد البته در این وانفسا محال است مردم به رسانه‌ها اعتماد کنند. این فضای حاکم، آرامش را که اولین نیاز حیاتی بشر است، از او می‌گیرد و جامعه را در تنش و ناامنی فرومی‌برد. چوب این بی‌اعتمادی را نه فقط مردم کوچه و بازار و کف خیابان که همه‌ی ساکنان این خاک خواهند خورد. فقدان آرامش در زندگی روزمره و ناامنی روانی پیامد این بی‌اعتمادی است که از دیرباز به ما ارث رسیده است و هنوز هم بر این اسباب آب ریخته می‌شود.

پاسارگاد را آنلاین بخوانید  
[www.pasargadnews.com](http://www.pasargadnews.com)  
 @pasargadnews

شگفتی انتخابات مجلس چه بود؟

ابوذر خواجه‌ی‌نسب

شوخی‌شوخی، جدی شد!  
 «این‌ها را رقیب‌جدی نمی‌دانم» این جمله واکنش شهناز حسن‌پور در برابر پرسش هفته‌نامه‌ی پاسارگاد و در رابطه با اعلام آمادگی زودهنگام برخی چهره‌های سیاسی سیرجان برای حضور در انتخابات مجلس یازدهم بود. گفت‌وگویی که در روزهای پایانی اسفند ۹۷ منتشر شد. درست یک‌سال قبل از این‌که، یکی از همان چهره‌ها، رقیب‌جدی حسن‌پور برای فتح کرسی‌نمایندگی سیرجان و بردسیر در مجلس شود. رقابت نفس‌گیر و پیروزی خفیف شهناز حسن‌پور در مقابل محمد معتمدی، بیش از هر چیزی نشان داد؛ در دوران گذار جامعه‌سیاسی ایران از خط‌کشی‌های جناحی و بی‌اعتبار شدن جریان‌های اصول‌گرایی و اصلاح طلبی، وقوع هر اتفاق پیش‌بینی‌نشده‌ای، ممکن خواهد بود. معیارهایی که در گذشته برای صاحبان رای، دارای ارزش بود، امروز به ضدمعیار تبدیل شده‌اند و چنین ستارها نیز دچار دگرگونی‌های عجیبی شده است. در چنین شرایطی، هر سیاست‌مداری که خود را از پیش برنده بداند، یعنی نتوانسته است خود را با واقعیت فضای سیاسی امروز، تطبیق دهد.

**سورپرایز به سبک حسن‌پور**  
 شاید در نگاه افکار عمومی و فعالان سیاسی، بزرگ‌ترین شگفتی انتخابات مجلس یازدهم در حوزه انتخاباتی سیرجان و بردسیر، رای بالای محمد معتمدی‌زاده باشد. اما از نگاهی دیگر، شگفتی بزرگ‌تر، ورود مجدد شهناز حسن‌پور به ساختمان بهارستان است. او حالا برای چهارمین بار متوالی، به‌عنوان نماینده‌ی مردم سیرجان و بردسیر انتخاب شده و از این حیث، رکورددار محسوب می‌شود. البته سیداحمد حسینی نیز در چهار دوری مجلس حضور داشته، اما آخرین حضور وی، پس از تحمل دو شکست از سیدمحمد هاشمی در جریان برگزاری انتخابات مجالس پنجم و ششم بود. این‌که چرا منتقدان حسن‌پور در هر دو جناح اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی، پس از دوازده‌سال قادر به شکست او نیستند، بیش از آن‌که به قدرت و نفوذ سیاسی حسن‌پور مرتبط باشد، معلول ضعف تشکیلاتی و ساختاری جریان‌های سیاسی در سیرجان است. در دوره‌ی قبل، اصلاح‌طلبان با «خوش‌خیالی» همه‌ی تخم‌مرغ‌های خود را در سید ابراهیم جهانگیری گذاشتند و در این دوره اصول‌گرایان به دلیل «اختلافات درونی» ترجیح دادند تخم‌مرغ‌ها را در

سبدهای جداگانه بریزند. حاصل آن خوش‌خیالی و این اختلافات درونی، ادامه‌ی حضور شهناز حسن‌پور در مجلس است. شگفتی از این بزرگ‌تر سراغ دارید؟  
**تخلف می‌کنم، پس هستم!**  
 چهره‌ی زشت انتخابات امسال مجلس در سیرجان، عادی‌شدن تخلفات انتخاباتی بود. به نظر می‌رسد حتی برگزارکنندگان انتخابات هم قبول کرده‌اند که رواج دروغ، تهمت، تخریب، انتشار تبلیغات در زمان‌های ممنوعه، خرید و فروش رای و... جزئی از بازی‌های انتخاباتی است که مثل ساز عروسی، باعث شور و نشاط رای‌دهندگان می‌شود.  
**از ماجرای فرمانفرما تا کاسبان کرونا**  
 حالا که قضیه‌ی شیوع ویروس کرونا جدی شده و این وسط عده‌ای انسان‌نما و فرصت‌طلب با احتکار ماسک و ژل‌های ضدعفونی‌کننده، قصد دارند به‌قیمت جان مردم، پول‌های کثیف به جیب بزنند، یاد یکی از روایت‌های تاریخی استاد باستانی‌پاریزی افتادم. کیباوقتی «فرمانفرما» حاکم کرمان می‌شود، «حسین‌خان لولج» از بزرگان شهر را دستگیر و به همراه فرزند خردسالش به زندان می‌اندازد. از بد حادثه فرزند حسین‌خان در زندان به مرض دیفتی دچار می‌شود. حسین‌خان از سر ناچاری به افضل‌الملک، وزیر فرمانفرما می‌گوید: به فرمانفرما بگو ۵۰۰ تومان می‌دهم و پسر خردسالم را آزاد کن تا درمان شود و نمیرد. فرمانفرما وقتی پیشنهاد را می‌شنود، می‌گوید: من که فرمانفرمای کرمان هستم، انتظام و نظم مملکت خود را به ۵۰۰ تومان رشوه نمی‌فروشم. با رد این پیشنهاد، فرزند حسین‌خان در زندان، جلوی پدر جان می‌دهد. دست‌برقضا سال بعد، پسر خود فرمانفرما به مرض دیفتی دچار می‌شود. او برای شفای پسرش ۵۰۰ گوسفند نذر کرد و به فقرا داد تا بلکه فرزندش شفا یابد، ولی این کار سودی نمی‌بخشد و فرزندش جلوی چشمانش جان می‌دهد.

روزی فرمانفرما به وزیرش می‌گوید: عجب روزگاری است، اگر خدا و پیغمبری در کار نیست، لاقال به دعاهای خانواده‌های فقیری که آنها را با آن گوسفندا اطعام کردم، باید بچهام زنده می‌ماند. افضل‌الملک در جواب او می‌گوید: این حرف را زنیذ قربان، فرمانفرمای کل عالم، انتظام و نظم جهان را به ۵۰۰ گوسفند و رشوه‌ی فرمانفرمای کرمان نمی‌فروشد! آری؛ کرونا دیر یا زود ریشه‌کن می‌شود، اما کاسبان کرونا گمان نبرند این نانی که آغشته به خون مردم کرده‌اند، از گلولی آن‌ها پایین خواهد رفت.  
 تو با خلق آسمان بگیر، نیک‌بخش/ که فردا نگیرد خدا، بر تو سخت!

**جناب آقای حاج شهباز حسن‌پور**

انتخاب جنابعالی به عنوان نماینده مردم سیرجان و بردسیر در مجلس شورای اسلامی نشانگر حسن اعتماد مردم و سابقه سال‌ها تلاش خالصانه و مجدانه شما در جهت آبادانی و سازندگی این دیار و نیز نشان‌دهنده تجربه، درایت و شایستگی‌های حضرت‌تعالی در طول دوران خدمتگزاری به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و مردم فهیم و شریف شهرستان‌های سیرجان و بردسیر است. ضمن عرض تبریک و تهنیت، اکنون که بار دیگر، این مسئولیت خطیر و دشوار بر دوش شما نهاده شده است، امید است با استعانت از درگاه احدیت و با استفاده از تجارب ارزنده، تلاش، پشتکار و روحیه خستگی‌ناپذیری همچون گذشته منشأ پیشرفت و توسعه هر چه بیشتر این خطه از ایران اسلامی باشید. از درگاه خداوند متعال سلامتی و موفقیت روز افزونتان را خواستارم.

**علی‌اکبر پوریانی**  
 مدیرعامل شرکت سنگ آهن گهرزمین

شرکت سنگ آهن گهرزمین  
 Goharzin Iron Ore Company

**جناب آقای حاج شهباز حسن‌پور**

انتخاب جنابعالی به عنوان نماینده مردم سیرجان و بردسیر در یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی که نشانگر قدردانی مردم از شما و بیانگر تعهد، کارآمدی، شایستگی و توانمندی جنابعالی می‌باشد را صمیمانه تبریک عرض نموده، امید است در سایه الطاف الهی موفق و پیروز باشید.

**سینا اصفهانی‌زاده**  
 مدیرعامل شرکت بتن بلندآسمان

**جناب آقای حاج شهباز حسن‌پور**

انتخاب مجدد جنابعالی به عنوان نماینده مردم سیرجان و بردسیر در مجلس شورای اسلامی را تبریک عرض نموده، امید است با توجه به دیدگاه، تعهد و تجربه شما شاهد پیشرفت و توسعه هر چه بیشتر شهرمان باشیم. موفقیت و سربلندی روزافزون جنابعالی را از خداوند منان مسئلت می‌نمایم.

**محمود محمودزاده، شرکت حمل و نقل شوکا**